مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۴۱،
دوره اول،
سال ششم،
تابستان ۱۴۰۰،
صص ۱-۱۶

نظارت بر کانون وکلا و آسیب‌های آن

لیلا خزایی[۱]

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی و شناخت جایگاه نظارت بر کانون وکلا و آسیب‌های فراروی آن است. وکالت در ایران قبل از انقلاب مشروطیت فقط تابع احکام فقهی بود و وکلا خود را به این معنا آزاد می‌دانستند. پس از آن تلاش شد برای نظم و رسمیت دادن به حرفهٔ وکالت مقرراتی تدوین شود. این حرفهٔ رسمی در پی لایحهٔ قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مستقل اعلام گردید. پس از انقلاب اسلامی، بسیاری از وکلا و با وضع قانون کیفیت اخذ پروانه در سال ۱۳۷۶ هم از جهت ورود به حرفهٔ وکالت و هم از منظر تأیید صلاحیت نامزدهای هیئت مدیره نظارت‌هایی بر کانون اعمال شد. یکی از مسائل مهم در خصوص وکالت با توجه به موقعیت و جایگاه کانون وکلا، استقلال کانون وکلا است.هرچند این استقلال گذشته از آنکه مستند به برخی قوانین و مقررات قابل توجیه است، از لحاظ ماهیت کارکرد کانون وکلا و نیز در سایه تحولات مدرن حاکمیت قانون از جمله حاکمیت اصول حقوقی، قابل توجیه می باشد. بنابراین نقب زدن به استقلال کانون وکلا از طریق نظارت به وسیله وضع برخی قوانین و مقررات هر چند از مراجع ذی صلاح و با رعایت تشریفات قانونی صادر شده باشد، از نقطه نظر دانش حقوق ایراد قابل تأمل و دارای تالم دارد. همانطور که به موجب فرازی از اصل ۹ قانون اساسی، هیچ مقامی به بهانه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور نمی تواند آزادی های عمومی را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب نماید، سلب استقلال کانون وکلا نیز غیرممکن است. همین نظارت بر کانون خود چالش‌های مختلفی را به دنبال خواهد داشت که از مهمترین آنها می‌توان به نقض استقلال این کانون اشاره نمود.

واژگان کلیدی: نظارت، وکالت، کانون وکلا، استقلال کانون وکلا، آسیب.

[۱] کارشناس ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین-پیشوا (نویسنده مسئول) Khazaee_leila@yahoo.com

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

در قوانین موضوعه ایران و شرع مقدس جهت رعایت حقوق متهم و به عبارتی دفاع و حمایت از وی قواعدی مقرر شده که از جمله آن اصل برائت، اباحه، قاعده درا بی‌اعتباری اقاریر اخذ شده تحت فشار و شکنجه، رسیدگی در دادگاه صالح و بی‌طرف، حضور هیات منصفه در بعضی جرائم و ... می‌باشد. حق بهره مندی متهم از وکیل در اتهام انتسابی از جمله حقوقی است که در قوانین ایران نیز هر چند کمرنگتر از بعضی کشورها و سیستم‌های حقوقی مترقی دنیا به چشم می‌خورد، لیکن همین مقدار نیز حاصل مجادلات و ممارسات حقوقدانان و بعضاً فقهای اندیشمند پیشین است، این جمله معروف زبانزد حقوقدانان که «بهتر است صد گناهکار بی کیفر بمانند اما یک بیگناه مجازات نشود» اهمیت موضوع امنیت و پشتیبانی حقوقی متهم را به خوبی تجسم می‌نماید.

کانون وکلا یا کانون وکلای دادگستری نهادی غیردولتی در کشورهای مختلف است که در جهت پشتیبانی از وکلا و نیز نظارت بر عملکرد آنها تشکیل شده‌است. کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود. این نهاد قدیمی‌ترین سازمان مردم نهاد ایرانی است که به موجب لایحه استقلال کانون وکلا در سال ۱۳۳۱ به عنوان نهادی با شخصیت حقوقی و مستقل وجود آمد، هرچند پیش از آن هم موجودیت داشت. هیئت مدیره، رئیس، دادگاه انتظامی وکلا و دادسرای انتظامی وکلا از نهادهای هر کانون هستند (هادی،۱۳۹۲).

کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در قانون ۵ اسفند ۱۳۳۳ و آیین نامه آن، اموری نظیر دادن پروانه وکالت، اداره امور راجع به وکالت دادگستری، نظارت بر اعمال وکلا و فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلا جزو وظایف و صلاحیت کانون وکلا ذکر شده است. ۲۶ ماده اصل لایحه استقلال کانون و ۸۹ ماده و ۲ تبصره آن را تشکیل می‌دهند. در واقع، شخصیت حقوقی کانون وکلا در ایران ناشی از قانون خاص یعنی قانون لایحه استقلا ل کانون وکلا مصوب پنجم اسفند ماه ۱۳۳۳ بوده و در قلمرو حقوق عمومی است. شایان ذکر است که پیدایش حرفه وکالت در ایران بی شباهت به سایر کشورها نیست. ارکان کانون وکلای دادگستری ایران عبارتنداز: هیأت عمومی و هیأت مدیره، دادسرای انتظامی وکلا و دادگاه انتظامی وکلا، علاوه بر این ارکان کانون دارای کمیسیون‌هایی برای کارآموزی، ترفیع وکلا، معاضدت قضایی، راهنمایی، امور بین الملل، سخنرانی و مجله و کتابخانه می‌باشد. به موجب قانون مزبور، وکالت دادگستری منحصر شد به کسانی که تا تاریخ تصویب قانون دارای پروانه وکالت بوده و سلب صلاحیت از آن نشده باشد و نیز اشخاصی که طبق شرایط زیر می‌توانند از کانون وکلا تحصیل پروانه کنند؛ که این افرادعبارتنداز: کسانی که دارای ۱۰ سال متوالی یا پانزده سال متناوب سابقه خدمات قضایی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از آنها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشد. کسانی که دارای دانش نامه لیسانس بوده و پنج سال سابقه خدمات قضایی داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از آنها نشده باشد و در نهایت لیسانسه‌هایی که سابقه دو سال خدمت قضایی دارند.

وجود کانون و وکیل مستقل یکی از ارکان اساسی دادرسی عادلانه بوده و خدشه بدان، مانع تحقق حاکمیت قانون در جامعه و مخل استقرار نظام حقوقی و قضایی مطلوب است. در واقع مجرای تحقق مطلوب حق بر دفاع به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان در دادرسی‌ها، کانون وکلا و وکالت مستقل است و همین مقوله، از جایگاه نهاد مزبور در دادرسی عادلانه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

و نقش آن در تحقق حاکمیت قانون و برقراری عدالت حکایت دارد. اما یکی از مسائل مهمی که در ارتباط با استقلال کانون وکلا مطرح است، نظارت بر کانون وکلاست که تاکنون تحقیقی بدان نپرداخته است که این تحقیق قصد داشته بدان بپردازد که نظارت بر استقلال کانون وکلای دادگستری چه آسیب هایی را در پی خواهد داشت؟

مفهوم شناسی

۱-مفهوم وکالت

وکالت از لحاظ لغوی به معنای تفویض و واگذار کردن است و در اصطلاح حقوقی، وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌کند. وکالت‌دهنده را موکل و کسی که وکالت به او اعطا می‌شود را وکیل می‌گویند. اثر عقد وکالت، اعطای نیابت است. به این معنا که موکل اقدام وکیل را، در انجام دادن اعمال حقوقی، به منزله اقدام خود می‌داند و به او اختیار می‌دهد که به نام و حساب موکل تصرفاتی داشته باشد. بنابراین وکیل دادگستری نسبت به آثار اموری که انجام می‌دهد، در حکم واسطه است و آنچه انجام می‌دهد، برای موکل است. در حقیقت تعهداتی که وکیل پذیرفته است، بر موکل تحمیل می‌شود و اگر نفعی در بین باشد، برای او است. نیابت در امور اعتباری و ارادی است (انصاف داران، ۱۳۸٦: ۵۸).

مطابق ماده ٦٥٦ قانون مدنی «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین دیگری را برای انجام امری نایب خود می‌نماید».

این تعریف با تعریفی که فقها در متون فقهی ارائه داده‌اند کاملاً سازگاری دارد و می‌توان گفت مانند بسیاری از تعاریف دیگر از فقه گرفته شده است. زیرا فقها نیز وکالت را «استنابه در تصرف» می‌دانند. بنابراین وکالت، نایب گرفتن «اصیل» است شخص را در انجام امری (کاتوزیان،۱۳۹٦: ۱۲۵).

سئوالی که در همین ابتدا، بررسی آن لازم به نظر می‌رسد، این است که در تعریف عقد وکالت آمده است وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین دیگری را برای «انجام امری» نایب خود می‌نماید کلمه «امر» در تعریف شامل چه اموری می‌شود؟ آیا صرفاً امور و تصرفات حقوقی و معنوی، قابل توکیل به غیر هستند؟ یا می‌توان امور مادی را هم به وکیل واگذار نمود؟ آیا مثلاً یک نویسنده می‌تواند ترجمه کتاب خود را به زبان دیگربه دیگری وکالت دهد؟ موضوع وکالت در دعاوی مدنی درآیین دادرسی مدنی باب دوم با عنوان «وکالت در دعاوی» طی ۱۷ ماده از ماده ۳۱ تا ٤٧ بیان گردیده است. آنچه باید مورد توجه موکلان قرار گیرد آن است که وکالتنامه های عادی و ثبتی و وکلای غیرحائز جواز وکالت قضایی در مراجع قضایی پذیرفته نمی‌شوند. بدین ترتیب کسی که بخواهد دعوایی را چه مدنی و چه کیفری در دادگاه و دادسرا مطرح کند و بخواهد این دعوا از طریق وکیل پیگیری و تعقیب گردد، لازم است از وکلای رسمی دادگستری که جواز وکالت از مراجع ذیصلاح دارند استفاده کرده و با آنان عقد وکالت منعقد نماید. علیهذا وکلای عادی و وکالتنامه‌های رسمی که از طریق دفاتر اسناد صادر می‌شود در مراجع قضایی کاربردی نداشته مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

با توجه به موارد فوق و حسب ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی، وکلای متداعیین (طرفین دعوی) باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاهها برای آنان مقرر گردیده است. ماده ۳۱ ق.آ.د.م: «هر یک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب ومعرفی نمایند».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

به صراحت این ماده قانونی هر یک از طرفین دعوی بیش از دو وکیل نمی‌توانند داشته باشند. حسب ماده ٤٤ این قانون اگر یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دو نفر وکیل معرفی کرده و به هیچ یک از آنها به طور منفرد حق اقدام نداده است، حضور یکی از وکلا درجلسه دادرسی و لایحه دادن دیگری کافی است (صفایی،۱۳۷۵).

ماده ۳۲: «وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هر گونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقهٔ کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوط دو سال سابقهٔ کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت تشخیص احراز شرایط یاد شده به عهدهٔ بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم مقام قانونی وی خواهد بود. ارائه‌معرفی‌نامهٔ نمایندگی حقوقی‌به مراجع قضایی الزامی است».

این ماده نحوهٔ تعیین و معرفی نمایندگی حقوقی ادارات و مؤسسات را بیان می‌دارد. به نظر می‌رسد با توجه به عبارت «علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری ...» ادارات می‌توانند هم دو وکیل دادگستری و هم نماینده حقوقی را یکجا معرفی کنند. لذا مفاد ماده ۳۱ این قانون در خصوص تعداد وکلای انتخابی توسط ادارات مصداق ندارد. اگر اداره یا مؤسسه‌ای از وکیل رسمی دادگستری استفاده می‌کند ضمیمه کردن وکالتنامه به اوراق پرونده دعوی ضروری است، ولی در خصوص معرفی نماینده حقوقی فقط معرفی نامه کافی است (جعفری لنگرودی،۱۳۹٤).

در دعاوی کیفری، شکایت اولیه می‌تواند توسط وکیل تنظیم و تقدیم دادسرا گردد. ماده ٦۹ قانون آیین دادرسی کیفری به این مسئله اشعار دارد. بنابراین شاکی از همان بدو امر می‌تواند برای اقامه شکایت وکیل بگیرد. ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری چنین اشعار می‌دارد؛ «متهم می‌تواند یک نفروکیل همراه خودداشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورتجلسه منعکس می‌شود». ماده ٦۹ مجوز اخذ وکیل توسط شاکی را بیان می‌کرد و ماده ۱۲۸ مجوز اخذ وکیل توسط متهم را (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۱٦۹).

وکیل متهم بایستی به همراه وی در جلسات تحقیقات حاضر شود و حق مطالعه پرونده و دخالت در تحقیق را ندارد. ولی وکیل شاکی همانگونه که شاکی می‌تواند از اوراق پرونده رونوشت بگیرد و یا پرونده را مورد مطالعه قرار دهد، او نیز این اختیار را خواهد داشت مگر در موارد محرمانه. مراد از عبارت؛ (... بدون مداخله در امر تحقیق...) در ماده ۱۲۸ آن است که در مرحله تحقیقات مقدماتی وکیل حق اظهار نظر و یا دفاع از متهم را ندارد و صرفاً پس از تحقیقات آن هم با رعایت تبصره ذیل ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری که اشعار می‌دارد: «در مواردی که موضوع جنبهٔ محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرائم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود».

چنانچه مطالبی را برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند می‌تواند به قاضی اعلام تا در صورت جلسه منعکس گردد. به هر حال وکیل متهم یا طرفین پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی حق مطالعه پرونده را ندارند. زیرا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مطالعه پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط وکیل دخالت در امر تحقیق محسوب می‌شود و اگر جز این گفته شود فرقی بین مرحله تحقیق و مرحله دادرسی نخواهد بود. زیرا در مرحله دادرسی وکیل حق مطالعه پرونده را دارد می‌تواند از موکل خود دفاع نماید. حال اگر در مرحله تحقیق هم چنین اجازه‌ای به وکیل داده شود فرقی بین آن دو نخواهد بود. حال آنکه مقنن با تصویب ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری خواسته است بین آن مراحل فرق بگذارد. علیهذا در مرحله تحقیق وکیل حق مطالبه و مطالعه پرونده را ندارد و فقط همان طور که در قانون آمده است می‌تواند در جلسات بازپرسی و تحقیقات مقدماتی شرکت کند و پس از پایان جلسه اگر مطلبی یا توضیحی دارد بیان نماید (شهیدی،۱۳۹۲: ۱۹٤).

۲-نظارت

«نظارت » از ماده «نظر» است و «دهخدا» در کتاب لغت‌نامه واژه مذکور، آن را به نگریستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن، حکومت کردن بین مردم و فیصله دادن دعاوی ایشان، یاری دادن و مدد کردن و کمک کردن و نیز به معنای چشم، بصر، دیده، فکر، اندیشه، تفکر، رویه، دقت، تأمّل، تدبّر، خیال، وهم، و اعتراض آورده است (دهخدا،۱۳۷۵: ذیل واژه نظارت)

او «ناظر» را به معنای نظر کننده، نگرنده، نگاه کننده، بیننده، شاهد و کنایه از جاسوسی، دیده‌بان و نگاهبان مطرح نموده و در نهایت «نظارت» را به معنای نظر کردن و نگریستن به چیزی، مراقبت و در تحت نظر و دیده‌بانی داشتن کاری، نگرانی دیده‌بانی به سوی چیزی و مباشرت معنا کرده است.

وظایف کانون وکلا در ایران

کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود. در نقاطی که کانون وکلا وجود ندارد تشکیل کانون مشروط به این است که در آن حوزه حداقل ٦۰ نفر وکیل دادگستری به شغل وکالت اشتغال داشته باشد و تا وقتی که عده وکلا به حد نصاب مزبور نرسیده وکلای آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز خواهند بود. وظایف کانون وکلا به قرار زیر است:

۱. دادن پروانه‌ی وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند؛
۲. اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلا؛
۳. رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا به‌وسیله‌ی دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا؛
٤. معاضدت قضایی؛
۵. فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلا.

ارکان کانون وکلای دادگستری

برابر ماده‌ی یک لایحه قانونی استقلال وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ کانون وکلای دادگستری از ٤ قسمت تشکیل می‌شود:

۱- هیئت عمومی وکلا و ترکیب آن

برابر ماده‌ی ۳ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری هیئت عمومی وکلای هر کانون از وکلای پایه یک و پایه دو که در آن حوزه اشتغال دارند تشکیل می‌شوند؛ مشروط بر آنکه محکومیت انتظامی از درجه ٤ به بالا نداشته و در حال تعلیق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

از وکالت نباشند. وکلای پایه یک وکلایی هستند که حق وکالت در دادگاه‌های نخستین یا بدوی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را دارا هستند؛ و وکلای پایه دو وکلایی هستند که حق وکالت در دادگاه‌های نخستین و تجدیدنظر را دارند.

البته از سال ۱۳۳۳، دادن پروانه وکالت پایه دو و همچنین پایه سه ممنوع شد؛ و وکلای پایه دو و سه فعلی اگر از سابق نمانده باشند آنهایی هستند که در پی محکومیت انتظامی تنزل پایه یافته‌اند. وکلای پایه سه به وکلایی گفته می‌شود که حق وکالت در دادگاه‌های بدوی را دارند.

۲-هیئت مدیره کانون وکلا و تعقیب انتظامی اعضای آن

اداره امور کانون وکلا برعهده هیئت مدیره کانون است. مطابق ماده دو لایحه‌ی قانونی استقلال کانون وکلا رئیس هیئت مدیره سِمَت ریاست کانون را داراست و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است. هیئت مدیره کانون وکلای مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و ٦ نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر کانون‌ها ۵ نفر عضو اصلی و ۳ نفر عضو علی‌البدل وجود دارد. مطابق ماده ٤ لایحه قانونی فوق‌الذکر اعضای هیئت مدیره توسط هیئت عمومی وکلا از بین واجدین شرایط قانونی برای مدت ۲ سال انتخاب می‌شوند. دادگاه عالی انتظامی قضات، مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخابات هیئت مدیره است. انتخاب اعضای هیئت مدیره کانون به‌طور پیاپی برای بیش از دو دوره ممنوع است.

اعضای هیئت مدیره کانون‌های وکلا باید از بین وکلای پایه یک انتخاب شوند. رئیس کانون وکلا که از بین اعضای اصلی هیئت مدیره و با رأی آنها انتخاب می‌شود، در مرکز باید لااقل بیست سال سابقه‌ی کار وکالت پایه یک داشته باشد و سن او کمتر از ۵۰ سال نباشد و نایب رئیس او باید دارای لااقل ۱۰ سال سابقه وکالت پایه یک بوده و سن او از ٤۰ سال کمتر نباشد.

در سایر کانون‌ها رئیس و نایب رئیس از بین اعضای اصلی هیئت مدیره انتخاب می‌شوند، با این تفاوت که شرط سن و سابقه وکالت پایه یک از این حیث در مورد آنها رعایت نمی‌شود.

رئیس کانون وکلا نماینده‌ی قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است و اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام می‌دهد و مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات وکلا و کارآموزان از یکدیگر در امور مربوط به شغل‌شان است و همچنین ناظر اعمال و رفتار کلیه‌ی وکلا و کارآموزان بوده و می‌تواند خبط و خطا و انحرافات شغلی آنان را کتباً تذکر دهد و تعقیب انتظامی وکیل متخلف را از دادسرای انتظامی بخواهد. اجرای تصمیمات هیئت مدیره‌ی کانون نیز به عهده‌ی او خواهد بود.

رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز از حیث شئون تشریفات رسمی در ردیف دادستان کل کشور و رئیس سایر کانون‌ها از حیث شئون و تشریفات رسمی در ردیف دادستان استان هستند.

۳-دادسرای انتظامی وکلا

دادسرای انتظامی وکلا مرجع رسیدگی به تخلفات وکلا و تعقیب آنهاست. دادسرای انتظامی از دادستان انتظامی و عده‌ی لازم دادیار که برای مدت دو سال توسط هیئت مدیره انتخاب می‌شوند تشکیل می‌شود. مطابق ماده ۱۵ لایحه‌ی قانونی استقلال کانون وکلا، درصورتی که رئیس دادگاه یا دادستان شهرستان یا رئیس دادگاه استان یا دادستان تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتباً به دادسرای انتظامی وکلا اطلاع دهند. درصورتی‌که دادسرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلا ارجاع می‌دهد و در غیر این

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادسرای انتظامی وکلا تسلیم نشد راساً از دادگاه انتظامی وکلا رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌کند.

بنابراین دادسرای انتظامی وکلا پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات چنانچه عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست و در غیر این صورت قرار منع تعقیب صادر می‌نماید. قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت قابل شکایت در دادگاه انتظامی وکلاست. دادگاه انتظامی وکلا چنانچه قرار منع تعقیب را درست بداند آن را تأیید می‌کند و اگر موضوع را قابل تعقیب دانست رسیدگی کرده و حکم صادر می‌کند.

٤-دادگاه انتظامی وکلا

رسیدگی به تخلفات وکلا و صدور رأی نسبت به تخلفات آنها بر عهده‌ی دادگاه انتظامی وکلاست. این مرجع شامل ۳ نفر از وکلای پایه یک دادگستری است که برای مدت دو سال از طرف هیئت مدیره کانون انتخاب می‌شوند. دو نفر وکیل پایه یک نیز به همان ترتیب به‌عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب می‌شوند تا در صورت غیبت یا معذوریت اعضای اصلی انجام وظیفه نمایند. دادگاه عالی انتظامی قضات، مرجع تجدیدنظر نسبت به آرای قابل تجدیدنظر صادره از سوی دادگاه انتظامی وکلاست.

صلاحیت کانون وکلای دادگستری

صلاحیت کانون وکلا درخصوص اعطای پروانه وکالت درجه اول به افرادی که واجد شرایط زیر باشند:

الف- به کسانی که دارای ده سال متوالی یا پانزده سال متناوب سابقه خدمات قضایی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از آنها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشد.

ب- کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و ۵ سال سابقه خدمات قضایی داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشد.

ج- نمایندگان هر یک از مجلسین که علاوه از عضویت کمیسیون دادگستری سابقه تدریس در دانشکده حقوق داشته و یا حداقل بیست سال در دو ائر وزارت دادگستری و یا ثبت اسناد انجام وظیفه اداری نموده باشند به شرط آن که از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت دو ماه درخواست صدور پروانه نمایند.

ه اشخاص زیر اجاره وکالت داده نمی‌شود:

۱. اتباع خارجه

۲. قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به‌خدمت به‌استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه

۳. محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد

٤. محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی

۵. اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۶. محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا آنکه به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعیست

۷. کسانی که به اتهام جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند

۸. اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند

ماده ۱۸۷ یه دوره پنج ساله به قوه قضائیه بابت وضعیت موجود آن زمان وکیل بگیره و مشاور حقوقی و کارشناس قوه قضائیه. کانون وکلا تنها مرکزی است که صلاحیت دارد وکیل به جامعه معرفی کند. با توجه به اشتباهاتی که در گرفتن وکیل داشتن و نتوانستند وکلای درستی را گزینش کنند به مدت ۵ سال قوه قضائیه خود این وظیفه را برعهده گرفته است.

مبانی استقلال کانون وکلا

۱-اجرای عدالت

یکی از مبانی حقّ دفاع را میتوان لزوم اجرای عدالت ذکر کرد. شارحین حقوق اسلامی بر این عقیده اند که همهٔ مبانی حقوق اسلامی در حقیقت مصادیقی از اجرای اصل عدالت هستند. بدیهی ترین طریق اجرای عدالت در مقام داوری بین مردم، که به حکم عقل و نقل ثابت است، لحاظ کردن حقّ دادخواهی و دفاع برای طرفین دعاوی کیفری و مدنی است. از امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت رسول (ص) فرمود: هرگاه بین دو نفر قضاوت کنی، به نفع یکی از طرفین نباید رأی دهی مگر اینکه مدافعات طرف دیگر را استماع کنی(حرعاملی، ۱٤۱۰ه: ۱۵۳).

برخی از دانشمندان حقوق اسلامی به موجب دلالت حدیث مذکور گفته اند: »صدور حکم از ناحیهٔ حاکم اسلامی بدون استماع مدافعات مدّعی علیه جایز نیست و چنانچه حاکم اسلامی عمداً قبل از استماع مدافعات مدّعی علیه به نفع مدّعی مبادرت به صدور رأی نماید، این حکم از درجهٔ اعتبار ساقط است، زیرا این امر دلالت بر خدشهٔ عدالت حاکم دارد(موذن زادگان،۱۳۷۳: ۲۳).

۲-حمایت از اصحاب دعوا

اصولا انسانها از نوعی آزادی به مفهوم عامّ آن (آزادی بیان، عقیده، عمل و ...(در اجتماع بهره میبرند که جز در موارد استثنایی، تحدید آن ممنوع است. بدین لحاظ هنگامی که فردی در مظان اتّهام به ارتکاب رفتاری مجرمانه قرار میگیرد، لاجرم برخی از حقوق مسلّم فردی وی به مخاطره میافتند. هرچند فرض بیگناهی متّهم و ضرورت حفظ حرمت و کرامت انسانی او ایجاب میکند که در فرایند تحقیقات مقدّماتی و محاکمه، از حداقل تضمینات کافی در جهت اثبات بیگناهی و برائت خویش برخوردار باشد، عدم آگاهی نسبت به حقوق فردی و اجتماعی چه بسا باعث تضرّر، سردرگمی و در نهایت محکومیّت وی شود. با لحاظ چنین شرایطی و با هدف جلوگیری از تضییع حقوق افراد، نیاز و ضرورت حضور فردی به عنوان وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی به ویژه در مرحلهٔ تحقیقات مقدّماتی و دادرسی نهایی، از لوازم اجتناب ناپذیر یک دادرسی عادلانه در تمام دنیا تلقّی میشود. اساساً اجراء و اعمال حقوق قانونی و ذاتی افراد مستلزم آگاهی و اطلاع آنهاست. فردی که برخلاف اصل آزادی، بازداشت میگردد، حق دارد به حقوق خود و نحوهٔ برخورداری از آنها آگاه شود. بنابراین، یکی از مهمترین حقوقی که متّهم در جریان یک دادرسی عادلانه و منصفانه باید از آن برخوردار باشد حقّ استفاده

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

از وکیل مدافع است. بر این اساس، امروزه حضور وکیل مدافع در دادرسی و دفاع از حقوق مادّی و معنوی موکّل، به ویژه متّهم، جزء لاینفک و اجتناب ناپذیر یک دادرسی منصفانه و عادلانه محسوب میشود(نجفی توانا،۱۳۸۵: ۵۲).

۳-رعایت حقوق شهروندی

مفهوم شهروندی از یک سو بیانگر مجموعه ای از حقوق و تعهّدات جهان شمول است که برای تمام اعضاء یک ملّت قابل حصولند و از سوی دیگر مستلزم توسعهٔ دموکراسی و مشارکت گروههای متنوّع فرهنگی در تصمیم گیریهاست. حقوق شهروندی شامل مجموعه ای از حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی برای شهروندان است. همچنین، حقوق شهروندی را میتوان مجموعه حقوقی دانست که افراد به اعتبار موقعیّت شهروندی خود دارا میشوند و در واقع اطلاق عام بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی است که بر موقعیّت آنان در جامعه حکومت میکند. دارندهٔ این حقوق، یعنی شهروند، به یکایک افرادی که در جامعه زندگی میکنند اطلاق می شود. به عبارت دیگر، حقوق شهروندی عبارت است از مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض تعلّق میگیرد. ظهور دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض را که از مبانی شکل گیری حقوق شهروندی هستند میتوان به سهولت در حقّ دسترسی شهروندان به دادرسی عادالنه و حقّ دفاع، که از الزامات انکارناپذیر دادرسی عادلانه هستند، مشاهده کرد(پورعزت و قلیپور،۱۳۸۹: ۱۲).

انواع نظارت برکانون وکلا

ناظر کسی است که بر کار و نحوه‌ی عمل وانجام وظایف دیگری بنگرد و اگر قصوری یا تخلفی مشاهده کرد از آنجا که برای رسیدگی به هر قصور و تقصیر و تقلبی مقامی مسئول طبق قوانین تعیین شده مراتب را با ذکر دلیل برای تعقیب انتظامی مقصر به مراجع صالح اعلام کند واگر هیاتی از این حد تجاوز کند نمی‌تواند وصف نظارت برخود بپذیرد.

۱-نظارت بر صدور پروانه وکالت

یکی از جهات و زیرساختهای استقلال وکلا اخذ مجوز و پروانه وکالت از سوی کانون وکلا با امضاء وتنفیذ رئیس کانون وکلاست. لذا وکلا باید بدون هرگونه تهدید وبدون اجبار، مجوز انجام کارشان را آزادانه از نهادی کانون وکلا دریافت کنند نه اینکه امضاء پروانه و تمدید آن توسط از تاریخ تصویب قانون استقلال، کانون‌های وکلا مکلفند حداقل سالی یکبار نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون با آگهی در جراید اقدام وحداقل مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون ضمن اعلام نتایج قطعی، نسبت به صدور پروانه وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام نمایند، شرایط ورود به حرفه وکالت سالهاست که معین شده و مورد قبول همه حقوقدانان می‌باشد که از جمله داشتن دانشنامه کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری حقوق وفقه وحقوق وقبولی در آزمون کتبی آن می‌باشد، در طرح جامع وکالت اختیار تأیید صلاحیت داوطلبان اخذ پروانه وکالت برعهده هیات نظارت می‌باشد که متاسفانه این اختیار دست هرگونه غرض ورزی و عدم تأیید داوطلبان را با هر بهانه ایی هرچند واهی باز می‌کند (اشراقی سامانی،۱۳۹۳: ۱۲).

۲-نظارت بر رفتار حرفه‌ای وکلا

بدیهی است که وکیل دادگستری نیز مانند صاحبان سایر حرف دچار لغزش وتخلف می‌شود که باید متناسب با تخلف انجام شده با او برخورد شود، وکیل ناصالح باید از تعقیب انتظامی بهراسد و وکیل صالح این اطمیان را داشته باشد که تخلف

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ناکرده مجازات نخواهد شد. این امر مستلزم این است که دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا نیز از استقلال برخوردار باشد، محاکم انتظامی وکیل توسط وکیل از لوازم و مقتضیات جامعه وکالت است مانند قضات دادگستری که توسط قاضی محاکمه می‌شوند و الا ذهنیت نادرست از مشاغل موجب قضاوت ناصواب می‌شود. در قانون استقلال وکلا دادسراو دادگاه‌های انتظامی وظیفه تعقیب ومجازات وکلا در صورت تخلف از مقررات را برعهده دارند و نکته مهم این است که رسیدگی به تخلفات از سوی خود وکلا که اشرافیت کامل به کار وکالتی و مشکلات موجود ناشی از شغل پراسترس و بازحمت دارند انجام می‌شود اعضای دادسرای انتظامی وکلا باید ازمیان وکلا انتخاب شوند. مانند دادسرای انتظامی قضات که ازمیان قضات انتخاب می‌شوند، در حالی که در قانون جامع وکالت، دادسرای انتظامی وکلا جای خود را به هیات نظارت داده است که رئیس آن منصوب از طرف رئیس قوه قضائیه است.

۳-هیات نظارت

در طرح جامع وکالت هیات نظارتی پیش بینی شده که باتوجه به حدود اختیارات آن نه تنها پا را از حد نظارت فراتر گذاشته ف بلکه در تمام شئونات وکالت مداخله کرده و بر آن حکومت می‌کند، طبق ماده ۲۵ لایحه جامع وکالت به منظور رسیدگی به تخلفات وکلا وکارآموزان هیاتی از سوی رئیس قوه قضائیه مرکب از هفت نفر حقوقدان یا از قضات یا از وکلا برای مدت چهار سال تشکیل می‌شود به نام هیات نظارت بر سازمان وکلای رسمی استانها و شورای عالی وکالت، این هیات با این نحوه شکل گیری بنظر هیات دخالت محسوب می‌شود نه هیات نظارت و بهتربود به جهت نزدیکی به اهداف این قانون موکل حق الوکاله ایی به حساب دادگستری واریز می‌کرد و دادگستری به یکی از وکلا دستور انجام امور حقوقی موکل را می‌داد وتمام بحث‌ها فیصه پیدا می‌کرد و وکیل همچون کارمند دستگاه قضا شناخته می‌شد. اما اختیارات این هیئت عبارتنداز:

۱-رسیدگی به صلاحیت نامزدهای عضویت در هیات مدیره سازمان وکلای رسمی و شورای عالی وکالت. استقلال کانون وکلا دادگستری و جامعه وکالت تأمین نمی‌شود مگر اینکه وکلا در انتخاب مدیران خود آزاد باشند، مطابق لایحه استقلال کانون وکلا هریک از وکلای دادگستری مادام که صلاحیت اشتغال به حرفه وکالت را دارند بالطبع برای عضویت در هیات مدیره کانون صالح شناخته می‌شوند و به هیچ تاییدی نیاز نیست وهیچ کس را نمی‌توان از نامزد شدن محروم کرد ودر صورت واجد شرایط بودن درماده ٤ می‌تواند پس از اعلام نامزدی برای عضویت در هیات مدیره انتخاب شود. اما لایحه جامع این اختیار به هیات نظارت داده شده است، این اختیار به این مفهوم است که اگر همه وکلا به اتفاق همکاری را ازبین خودشان واجد صلاحیت بدانند اما وکیل منتخب معیارهای مورد نظر قوه قضاییه را نداشته باشد بر اتفاق وکلا اثری بار نیست، به عبارتی این هیات با معیارهای خود بطور سلیقه ایی عمل خواهد کرد.

۲-رسیدگی به صلاحیت داوطلبان اخذ پروانه وکالت. شرایط ورود به حرفه وکالت سالهاست که معین شده و مورد قبول همه حقوقدانان می‌باشد که از جمله داشتن دانشنامه کارشناس، کارشناسی ارشد و دکتری حقوق وفقه وحقوق وقبولی در آزمون کتبی آن می‌باشد، در طرح جامع وکالت اختیار تأیید صلاحیت داوطلبان اخذ پروانه وکالت برعهده هیات نظارت می‌باشد که متاسفانه این اختیار دست هرگونه غرض ورزی و عدم تأیید داوطلبان را با هر بهانه ایی هرچند واهی باز می‌کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۳-ابطال انتخابات وکلا، کلاً یا جزئا نسبت به صندوق یا نامزدها وصدور دستور برگزاری انتخابات مجدد. در انتخابات کانون وکلا میزان رأی وکلاست ودادن این اختیار به هیات نظارت موجب می‌شود، اگر وکیلی در انتخابات حائز اکثریت آراء شد اما دارای معیارهای هیات نظارت نبود، هیات بتواند انتخابات در آن حوزه را باطل کند.

٤-ابطال پروانه کلیه وکلا حتی اعضای هیات مدیره سازمان وکلای رسمی به جهتی غیر از تخلفات انتظامی و در صورت لزوم تصمیم به تعلیق وکیل از تصدی به شغل وکالت به مئت شش ماه. اگر لایحه جامع وکالت تصویب شود حکومت هیات نظارت قوه قضاییه بر تمامی امور وکلا آنچنان قوت خواهد گرفت، که هر مدیری برای حمایت از وکیلی که مغضوب است، ازخود استقلال نشان دهد بی درنگ پروانه او ابطال خواهد شد (اشراقی سامانی،۱۳۹۳: ۱۳-۱۵).

نظارت قضایی از سوی دادسرای انتظامی وکلا

طبق مقررات قانون وکالت سال ۱۳۱۵ مرجع تحقیق و رسیدگی مقدماتی نسبت به شکایت واصله از وکلا و تخلفات آنان دفتر بازرس و تشکیلات وکلای عدلیه بود و محاکمه انتظامی آنان در محکمه انتظامی به عمل می‌آمد که مرکب از سه عضوی بود که وزیر دادگستری از بین مستخدمین قضایی یا اداری دادگستری یا وکلا یا به طور مختلط تعیین می‌کرد. طرز تحقیق و رسیدگی مقدماتی و تجدیدنظر و قواعد محاکمه انتظامی وکلا به موجب آیین‌نامه مربوط بود(ماده ٤٦ قانون وکالت).

وزیر عدلیه می‌توانست پس از آنکه به وسیله دفتر بازرس و تشکیلات وکلا یا به وسیله کانون وکلا یا وسایل دیگر از سوء اعمال و رفتار وکیلی مطلع می‌شد، امر به تعقیب انتظامی بدهد و حتی در موردی که اشتغال وکیل مزبور به وکالت تا تعیین تکلیف قطعی او منافی با حیثیت وکلا، یا موجب ضرر یا برخلاف حقی برای اشخاص می‌شد، می‌توانست وکیل را از شغل وکالت معلق کند. در این قانون محکمه تجدیدنظر انتظامی وکلا هم پیش بینی شده بود و محکمه تجدیدنظر انتظامی از یک نفر اعضای محکمه بدوی که به حکم قرعه انتخاب می‌شد و دو نفر از مستخدمین قضایی تشکیل می‌شد که این دو نفر همه ساله به طور ثابت از سوی وزیر عدلیه معین می‌شدند(ماده ٤٧ قانون وکالت).

دادسرای انتظامی وکلا مرجع رسیدگی مقدماتی به تخلفات وکلای دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان و عده لازم دادیار که از طرف هیات مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. دادسرای انتظامی وکلا پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد؛ کیفرخواست صادر می‌کند. در غیر این صورت قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد. قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در دادگاه انتظامی وکلا خواهد بود.

رسیدگی به تخلفات وکلا پس از رسیدگی مقدماتی در دادسرای انتظامی وکلا به عهده دادگاه انتظامی وکلا است. دادگاه مزبور از سه نفر وکیل پایه یک که دارای شرایط عضویت در هیات مدیره باشند، به انتخاب هیات مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود. برای مدت مزبور هیات مدیره دو نفر علی البدل هم از بین وکلای پایه یک انتخاب می‌کند که در مورد غیبت و معذوریت اعضای اصلی، در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. دادرسان دادگاه انتظامی وکلا هم باید دارای شرایط عضویت در هیات مدیره بوده و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته باشند(ماده ۱۳ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دادگاه‌های انتظامی وکلا مرجع نظارتی بسیار قوی برای حفاظت حرفه وکالت دادگستری و جلوگیری از سوءرفتار و اعمال شاغلین این صنف می‌باشد و اعضای دادگاه‌های انتظامی وکلا معمولاً از بین اشخاص با صلاحیت و دارای حسن سابقه و حسن شهرت و دارای دانش حقوقی کافی انتخاب می‌شوند و تکریم آنها توسط شاغلین این صنف موجب احترام جامعه به شاغلین این صنف خواهد شد.

چالشهای نظارت بر کانون وکلای دادگستری

کانون وکلا مستقل برای این‌که بتواند استقلال خود را حفظ کند باید از وجود وکلایی بهره ببرد که آنها در انجام وظایف و تکالیف محوله، دارای استقلال باشند و با در نظر داشتن خدا، وجدان و قانون اقدام کنند و اجرای عدالت، تنها هدف مقدس و در حقیقت هدف ذاتی آنها باشد. اما در نظارت بر کانون وکلا، ممکن است آسیب و چالشهای مختلفی مطرح گردد. این چالش‌ها عبارتنداز:

۱-نقض دادرسی عادلانه

وی یادآور شد: البته در سال‌های گذشته سعی شد این استقلال اندکی کمرنگ شود اما همچنان این استقلال وجود دارد و نباید فراموش کرد که در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه و قطعنامه هاوانا زمانی دادرسی منصفانه و عادلانه است که نقش وکیل در آن‌جا مورد اشاره قرار گرفته باشد. یک دادرسی عادلانه و یک قاضی مستقل نمی‌تواند قابل تصور باشد جز با حضور وکیل و این امر نیز در مواد مختلف قوانین بین‌المللی که ما نیز در آن عضویت داریم وجود دارد.

این وکیل دادگستری اظهار کرد: در این راستا دولت‌ها موظف شدند که بسترهای قانونی را جهت ایفای نقش استقلال وکلا بدون آن‌که احساس تردید و ترس داشته باشند به طور آزادانه برای وکلا فراهم کنند و در حقیقت در سیستم حاکمیتی از استقلال وکیل در برابر قوای دیگر دفاع می‌کند؛ زیرا در بسیاری از مواقع از جمله در حوادث اخیر، بسیاری از متهمان نیاز به وکیل داشتند و اگر وکیل تابع قوه قضاییه باشد و واهمه‌ای از برخی نهادها یا ارگان‌ها داشته باشد، نمی‌تواند از متهمان دفاع کند.

نجفی‌توانا تصریح کرد: شاید در بسیاری از موارد افراد در خصوص جرایم، متهم و بازداشت شوند و پس از مدتی بازجویی‌ها، تحقیقات، قرارهای تامین و حتی حکم‌های اولیه نقض می‌شود و شخص برائت حاصل می‌کند. موارد متعددی وجود داشته که افراد را به دلایل متعدد بازداشت می‌کنند و بعد از مدتی احکام را نقض می‌کنند و جالب این‌جاست که در قوانین نیز سیستم قضایی موظف شده در جرایمی که مجازات آنها سنگین است مثل اعدام، قصاص و غیره حتما از وجود وکلا استفاده کند.

۲-عدم اجرای عدالت

نجفی‌توانا با اشاره به این‌که درست است که شغل وکالت یک تصدی‌گری است اما فلسفه‌ی وکالت، دفاع از قانون و مبارزه با بی‌عدالتی است، افزود: وکیل سرباز سواره نظام زره‌پوش نظام قضایی است و البته به جای شمشیر و تفنگ، زبان و قلم در اختیار دارد و بنابراین باید بتواند از این اسلحه به راحتی برای دفاع از قانون استفاده کند و تحت تاثیر افراد و اشخاص قرار نگیرد تا بتوانیم یک نظام قضایی مستقل داشته باشیم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

وی در ادامه گفت‌وگویش با ایسنا، اظهار کرد: متاسفانه حدود چندین سال پیش با اعمال نظرات برخی افراد شاید ناآگاه و غیرمتخصص سعی شد کانون وکلا را که تنها نهاد مدنی مستقلی بود که پس از انقلاب در جهت احقاق حق ملت ایران در مقابل کشورهای بیگانه در مراجع بین‌المللی کمک کرد و در امر قانون‌گذاری و نقد قوانین به ارایه پیشنهاداتی پرداخت، تضعیف کنند و یک نهاد موازی را ایجاد کردند که این نهاد موازی را به گرده سیستم قضایی که زیر فشار امور تخصصی، اداری و قضایی کمر خم کرده بود، تحمیل کردند.

این وکیل دادگستری ابراز داشت: در حقیقت قوه قضاییه پس از ۵۰ سال مبادرت به صدور پروانه کرد و کیفیت را فدای کمیت کرده و حقوقدانان را جذب کردند بدون آن‌که آموزش لازم را به آنها بدهند و در مدت کوتاهی پروانه دادند و می‌توان پی برد که چقدر این تعجیل به نظام عدالت کیفری و عدالت قضایی ضربه زد و در حقیقت قضات و حتی وکلا را نیز دچار مشکل کرد که خوشبختانه اخیرا با تغییر این افراد سعی شد بخشی از اشتباهات جبران شود و امیدواریم که این موضوع به طور کامل اصلاح شود و ما یک ساختار مدنی مستقل به عنوان کانون وکلا داشته باشیم که با قوه قضاییه تعامل و همکاری تنگاتنگ داشته باشد.

وی در ادامه با انتقاد از تدوین آیین‌نامه اصلاحی لایحه استقلال کانون وکلا، اظهار کرد: با تدوین این آیین‌نامه خلاف قانون، مغایر با قانون اساسی و قانون وکالت، سعی شد کانون وکلا که بر اساس قانون ایجاد شده را با یک آیین‌نامه تضعیف و استقلال آن را نقض کنند که خوشبختانه با اعتراض وکلا، حقوقدانان مستقل، قضات عالی‌مقام، مقامات مسوول و آینده‌نگر کشور مواجه شد و در اواخر دوره ریاست قبلی قوه قضاییه برای مدتی متوقف شد.

نجفی‌توانا به رییس قوه قضاییه پیشنهاد کرد که آیین‌نامه مذکور را که کانون وکلا ابطال آن را از دیوان عدالت اداری تقاضا کرده است، قبل از این‌که منجر به تصمیم قضایی شود، ابطال کند.

وی با بیان این که البته حسب شنیده‌ها به نظر می‌رسد که درصدد اصلاح این آیین‌نامه هستند، ابراز داشت: آیین‌نامه‌ای که ماهیتا و ذاتا خلاف قانون است اصلاح‌پذیر و قابل تغییر نیست و جز ابطال، چاره‌ای برای آن نمی‌توان تصور کرد؛ زیرا یک نظام قضایی باید در تعامل و همکاری با کانون وکلا و دست به دست هم دادن برای هدف مشترک یعنی اجرای عدالت اقدام کند.

۳-نقض استقلال کانون وکلا

استقرار حاکمیت قانون، صیانت از حقوق و آزادیهای عمومی و به طورکلی تحقق عدالت، از جمله مستلزم وجود کانون مستقل از یکسو و استقلال حرفه وکالت از سوی دیگر است. نهاد وکالت و قوه قضاییه هر دو از بازوان گسترش عدل و آزادی های همگانی و مشروع در یک کشور محسوب میشوند. صرفنظر از مباحث و مسائل مربوط به استقلال کانون، آنچه از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و در ادبیات سایر نظام های حقوقی توجه زیادی را به خود جلب کرده است، استقلال وکیل دادگستری و کانونهای وکلا است. با عنایت به اینکه حرفه وکالت از جمله خدمات عمومی است و با توجه به مسئولیت دولت نسبت به تأمین خدمات مزبور، ضروری است تدابیر لازم در تنظیم شرایط قانونی مربوط به ارائه این خدمت عمومی اندیشیده شود. بر همین اساس، حدی از دخالت دولت به منظور نظارت بر کانون وکلای دادگستری برای تحقق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

هدف یادشده، ضروری به نظر میرسد. که این نظارت منتهی به نقض استقلال کانون وکلا خواهد شد(مرادی و تنگستانی،۱۳۹۵: ۱۵).

با توجه به مراتب فوق، مفهوم و قلمرو استقلال وکیل دادگستری و کانون وکلا از سویی و حدود وظیفه نظارتی دولت و خاصه قوه قضاییه در تنظیم شرایط و مقررات قانونی مربوط به ارائه خدمت عمومی وکالت از سوی دیگر، قابل بررسی مینماید.

نتیجه گیری

با استناد به اصول ۳٤ و ۳۵ قانون اساسی استقلال وکیل در موضع دفاع و استقلال کانون های وکلای دادگستری از حاکمیت را یکی از اصول مسلّم و نانوشته قانون اساسی دانسته است که نقض آن به مثابه نقض اصول مصرح قانون اساسی است. استقلال کانون وکلا به عنوان یک اصل مسلّم و نانوشته قانون اساسی، جزء لاینفک حاکمیت قانون است. استقلال وکیل و کانون وکلای دادگستری در تحقق حاکمیت قانون نقش بسزایی دارد. اهمیت وجود کانون و وکیل مستقل در نظام حقوقی و دادرسی ها به گونه ای است که شمار توجه پذیری از اسناد حقوقی بین المللی الزام آور آن را شناسایی کرده و در جایگاه مصادیق حقوق بنیادین بشری قرار داده اند. در همین چارچوب، شماری از نظام های حقوقی داخلی و قوانین اساسی کشورها با تصریح به لزوم وجود نهاد مستقل وکالت، در راستای پیش بینی سازوکارهایی برای تضمین آن پرداخته اند. زیرا، برجسته‌ترین سازوکار مردمی و نظارت شهروندان بر فرآیند تحقق عدالت در دادرسی ها، نهاد مستقل وکالت است و به همین جهت شناسایی و تضمین حق داشتن وکیل و استقلال داشتن نهاد وکالت) از جلوه های به زمامداری(حکومت شایسته) به شمار می رود. اما نظارت بر کانون وکلا، یکی از چالشهایی است که کانون وکلا با آن مواجه است که خود آسیبهایی از جمله نقض استقلال کانون وکلا، عدم اجرای عدالت و....را به دنبال خواهد داشت.

منابع

اشراقی سامانی، سولماز.(۱۳۹۳). تحلیل نظارت قوه قضاییه بر کانون وکلا بانگاهی به طرح جامع وکالت. اولین همایش ملی وکالت،اخلاق،فقه و حقوق.

انصاف داران، محمدرضا.(۱۳۸٦). وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری، تهران، انتشارات جنگل.

پورعزت، علی اصغر. قلی پور،آرین.(۱۳۸۹). رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگوی و شفافیت سازمانها، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره۳۸.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر(۱۳۹٤) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.

حر عاملی، محمد بن حسن(۱٤۱۰ه)، وسایل الشیعه، بیروت، انتشارات التراث العربی.

دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۵)، لغتنامه، تهران: نشر دانشگاه تهران.

شهیدی، مهدی.(۱۳۹۲) تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، نشر حقوقدان.

صفایی، سید حسین(۱۳۷۵). مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی. تهران، نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر(۱۳۹٦). حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان ناصر.(۱۳۹۷). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران. میزان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مؤذن زادگان،حسنعلی.(۱۳۷۳). حق دفاع متهم در آئین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، دوره دکتری حقوق کیفری و جرمشناسی دانشگاه تربیت مدرس.

نجفی توانا، علی.(۱۳۸۵). دفاع از حق دفاع، مجله کانون وکلا، بهار و تابستان شماره۱۹۲.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

Monitoring the Bar Association and its injuries

Leila Khazaee[1]

Abstract

The purpose of this study is to investigate and identify the status of supervision of the Bar Association and the harms it faces. Advocacy in Iran before the Constitutional Revolution was only subject to the rules of jurisprudence, and lawyers considered themselves free in this sense. After that, attempts were made to regulate and formalize the legal profession. This official profession was declared independent following the bill on the independence of the Bar Association. After the Islamic Revolution, with the enactment of the Law on the Quality of Obtaining a License in 1997, many lawyers were supervised by the center both in terms of entering the legal profession and in terms of approving the candidates for the board of directors. One of the most important issues regarding advocacy, considering the position and position of the Bar Association, is the independence of the Bar Association. The law, including the rule of law, can be justified. Therefore, violating the independence of the Bar Association through supervision by enacting some laws and regulations, even though it has been issued by the competent authorities and in compliance with legal formalities, is a problem from the point of view of legal knowledge. Just as, according to Article 9 of the Constitution, no authority can deprive the public of liberties under the pretext of preserving the independence and territorial integrity of the country, even by enacting laws and regulations, it is impossible to deprive the Bar Association of its independence. The same supervision of the center itself will lead to various challenges, the most important of which is the violation of the center's independence.

Keywords: Supervision, Advocacy, Bar Association, Bar Association Independence, Injury.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[1] Master of Public Law, Islamic Azad University, Varamin-Pishva Branch (Corresponding Author)